

به نام خدا

# بررسی نقش دیوان بین المللی دادگستری در حل و فصل اختلافات بین المللی

مولفان :

عادل انصارمقدم

یاسر خمیری اقدم

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : انصارمقدم ، عادل ، ۱۳۶۶  
عنوان و نام پدیدآورندگان: بررسی نقش دیوان بین المللی دادگستری در حل و فصل اختلافات بین المللی / مولفان: عادل انصارمقدم ، یاسر خمیری اقدم  
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری : ۱۰۲ ص.  
شابک : ۳-۷۲۳-۱۱۷-۶۲۲-۹۷۸  
شناسه افزوده : خمیری اقدم، یاسر ، ۱۳۶۷  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه.  
موضوع : بررسی نقش دیوان بین المللی دادگستری - حل و فصل اختلافات بین المللی  
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳  
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب: بررسی نقش دیوان بین المللی دادگستری در حل و فصل اختلافات بین المللی  
مولفان: عادل انصارمقدم - یاسر خمیری اقدم  
ناشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴  
چاپ : زبرجد  
قیمت : ۱۳۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک : ۳-۷۲۳-۱۱۷-۶۲۲-۹۷۸  
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



پیشگفتار.....	۹
<b>فصل اول : کلیات و مبانی نظری دیوان بین‌المللی دادگستری.....</b>	<b>۱۳</b>
مفهوم و ماهیت دیوان بین‌المللی دادگستری.....	۱۳
پیشینه تاریخی شکل‌گیری دیوان.....	۱۴
جایگاه دیوان در نظام حقوق بین‌الملل.....	۱۵
ساختار سازمانی دیوان.....	۱۶
ترکیب قضات و معیارهای انتخاب آنان.....	۱۷
صلاحیت‌های اصلی و فرعی دیوان.....	۱۸
منابع حقوقی مورد استناد دیوان.....	۱۹
نقش دیوان در توسعه حقوق بین‌الملل.....	۲۰
رابطه دیوان با ارکان دیگر سازمان ملل متحد.....	۲۱
تمایز دیوان با سایر مراجع بین‌المللی.....	۲۲
نقش منشور ملل متحد در تأسیس دیوان.....	۲۳
محدودیت‌ها و چالش‌های حقوقی دیوان.....	۲۴
جایگاه دیوان در نظام حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات.....	۲۵
<b>فصل دوم : صلاحیت و پذیرش دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری.....</b>	<b>۲۷</b>
مفهوم صلاحیت در دیوان.....	۲۷
انواع صلاحیت دیوان.....	۲۸
نحوه ارجاع دعاوی از سوی دولت‌ها.....	۲۹
شرط صلاحیت اجباری و نظام پذیرش آن.....	۳۰

۳۱	تحلیل بیانیه‌های پذیرش صلاحیت کشورها
۳۲	نقش رضایت دولت‌ها در رسیدگی قضایی
۳۳	محدودیت‌های صلاحیتی دیوان
۳۳	تمایز میان صلاحیت موضوعی و شخصی
۳۴	بررسی اعتراضات مقدماتی در صلاحیت
۳۵	تأثیر معاهدات دو یا چندجانبه بر صلاحیت دیوان
۳۶	نقش شورای امنیت در ارجاع دعاوی
۳۷	نمونه‌های رد صلاحیت در روبه دیوان
۳۹	<b>فصل سوم : فرایند رسیدگی و دادرسی در دیوان بین‌المللی دادگستری</b>
۳۹	آغاز دادرسی و ثبت دعوی
۴۰	تنظیم لوایح کتبی و دفاعیات طرفین
۴۱	جلسات شفاهی و نقش وکلا و نمایندگان دولت‌ها
۴۲	استفاده از کارشناسان و شواهد فنی
۴۳	نقش دبیرخانه و رئیس دیوان در روند رسیدگی
۴۴	نحوه تصمیم‌گیری و رأی‌گیری قضات
۴۵	صدور آراء موقت و تدابیر احتیاطی
۴۶	مفهوم <i>amicus curiae</i> و مشارکت غیرمستقیم نهادها
۴۶	اصول دادرسی عادلانه در دیوان
۴۷	شفافیت و علنی بودن جلسات رسیدگی
۴۸	رسیدگی به دعاوی متقابل
۴۹	هزینه‌های دادرسی و تأمین مالی دعاوی

.....	زمان‌بندی و طول فرآیند رسیدگی	۵۰
.....	نقاط ضعف و قوت نظام دادرسی دیوان	۵۱
.....	<b>فصل چهارم : آراء و نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری</b>	<b>۵۳</b>
.....	ماهیت و اعتبار آراء دیوان	۵۳
.....	ویژگی الزام‌آور بودن آراء قضایی	۵۴
.....	آثار نسبی و مطلق احکام دیوان	۵۵
.....	نقش نظرات مشورتی در توسعه حقوق بین‌الملل	۵۶
.....	موارد مهم نظرات مشورتی در تاریخ دیوان	۵۶
.....	رابطه آراء دیوان با تصمیمات شورای امنیت	۵۷
.....	اجرای آراء در سطح ملی و بین‌المللی	۵۸
.....	سازوکار نظارت بر اجرای آراء	۵۹
.....	تحلیل آراء برجسته و اثرگذار دیوان	۶۰
.....	نقش آراء در تفسیر معاهدات بین‌المللی	۶۱
.....	تأثیر آراء بر رویه سایر محاکم بین‌المللی	۶۱
.....	اصول استنباط و تفسیر حقوقی در آراء	۶۲
.....	آراء مخالف و موافق قضات	۶۳
.....	چالش‌های اجرای آراء در نظام بین‌المللی	۶۴
.....	دیدگاه‌ها درباره مشروعیت و بی‌طرفی دیوان	۶۵
.....	<b>فصل پنجم : نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در حل و فصل اختلافات بین‌المللی</b>	<b>۶۷</b>
.....	جایگاه دیوان در میان ابزارهای حل مسالمت‌آمیز اختلافات	۶۷
.....	نقش دیوان در پیشگیری از تشدید منازعات	۶۸

۶۹	..... مطالعه موردی دعاوی مرزی و ارضی
۷۰	..... دعاوی دریایی و تعیین حدود مناطق انحصاری اقتصادی
۷۱	..... اختلافات مرتبط با معاهدات و نقض تعهدات بین‌المللی
۷۱	..... حل اختلافات مرتبط با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها
۷۲	..... نقش دیوان در حل اختلافات زیست‌محیطی
۷۳	..... پرونده‌های حقوق بشر در چارچوب دیوان
۷۴	..... تأثیر دیوان در تثبیت نظم حقوقی جهانی
۷۵	..... نمونه‌های موفق حل اختلاف از طریق دیوان
۷۶	..... محدودیت‌های سیاسی در ایفای نقش دیوان
۷۷	..... تعامل دیوان با سازوکارهای منطقه‌ای حل اختلاف
۷۷	..... مقایسه عملکرد دیوان با داوری بین‌المللی
۷۸	..... نقش میانجی‌گری غیررسمی در کنار دادرسی قضایی
۷۹	..... ارزیابی اثربخشی دیوان در ایجاد صلح پایدار
<b>۸۱</b>	<b>..... فصل ششم: چالش‌ها و چشم‌انداز آینده دیوان بین‌المللی دادگستری</b>
۸۱	..... چالش‌های سیاسی و ساختاری دیوان
۸۲	..... نقد استقلال و بی‌طرفی قضات
۸۳	..... تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی بر کارکرد دیوان
۸۳	..... افزایش تعداد دعاوی و بار کاری دیوان
۸۴	..... نقش دیوان در مواجهه با منازعات نوین (فضا، سایبری، محیط زیست)
۸۵	..... محدودیت‌های اجرایی و ضمانت اجرای احکام
۸۶	..... نیاز به اصلاحات در آیین‌نامه و اساسنامه دیوان

- ۸۷ ..... همکاری دیوان با سایر نهادهای قضایی بین‌المللی
- ۸۸ ..... چشم‌انداز تعامل دیوان با کشورهای غیرعضو
- ۸۸ ..... تأثیر دیوان بر نظم چندقطبی جهانی
- ۸۹ ..... استفاده از فناوری و هوش مصنوعی در روند دادرسی آینده
- ۹۰ ..... آینده صلاحیت مشورتی و قضایی دیوان
- ۹۱ ..... نقش دیوان در ارتقای حاکمیت قانون بین‌المللی
- ۹۲ ..... دیدگاه اندیشمندان درباره آینده دیوان
- ۹۵ ..... سخن آخر
- ۹۹ ..... منابع و مآخذ
- ۹۹ ..... منابع فارسی
- ۱۰۱ ..... منابع انگلیسی



## پیشگفتار

تحولات شتابان جامعه بین‌المللی در قرن بیستم و بیست‌ویکم، همراه با پیچیدگی روزافزون روابط میان دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای فراملی، بیش از هر زمان دیگری نیاز به وجود سازوکاری حقوقی، بی‌طرف و کارآمد برای حل و فصل اختلافات را نمایان ساخته است. نظام بین‌المللی دیگر عرصه‌ای صرفاً مبتنی بر قدرت نظامی و منافع سیاسی نیست؛ بلکه در پرتو گسترش حقوق بین‌الملل و نهادینه شدن اصول حاکم بر روابط دولت‌ها، تمایل روزافزونی به حل مسالمت‌آمیز منازعات شکل گرفته است. در این میان، دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد، جایگاهی ممتاز در تضمین حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی به دست آورده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری نه تنها در مقام نهادی برای صدور حکم در اختلافات میان دولت‌ها ایفای نقش می‌کند، بلکه در سطحی گسترده‌تر، به تفسیر، تبیین و گسترش مفاهیم بنیادین حقوق بین‌الملل یاری می‌رساند. آراء و نظرات مشورتی این دیوان، در بسیاری از موارد مسیر توسعه حقوق بین‌الملل را تعیین کرده و بر تصمیمات دولت‌ها و سایر نهادهای بین‌المللی اثرگذار بوده است. به بیان دیگر، دیوان را می‌توان هم داور اختلافات و هم معمار اندیشه‌های حقوقی نوین دانست.

با وجود این جایگاه برجسته، نقش دیوان در عرصه عمل همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. از یک‌سو، وابستگی صلاحیت دیوان به رضایت دولت‌ها موجب محدود شدن گستره تأثیرگذاری آن شده و از سوی دیگر، برخی ملاحظات سیاسی و قدرت‌مدارانه در سطح بین‌المللی، اجرای آراء و تصمیمات دیوان را با دشواری‌هایی مواجه ساخته است. با این حال، تداوم حیات و فعالیت دیوان طی بیش از هفت دهه، گواهی روشن بر نیاز بنیادین جامعه جهانی به چنین نهادی است.

در میان نهادهای بین‌المللی موجود، دیوان بین‌المللی دادگستری ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر مراجع قضایی متمایز می‌سازد. نخست آنکه، برخلاف بسیاری از دادگاه‌های تخصصی که صلاحیت موضوعی یا منطقه‌ای دارند، دیوان صلاحیتی عام برای رسیدگی به اختلافات حقوقی میان دولت‌ها دارد. دوم، دیوان به‌عنوان ارگانی وابسته به سازمان ملل متحد، ارتباط مستقیم و رسمی با ارکان سیاسی آن، به‌ویژه شورای امنیت و مجمع عمومی دارد، امری که تعامل حقوق و سیاست را در فعالیت‌های آن اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. سوم، آراء و نظرات دیوان از اقتدار اخلاقی و حقوقی بالایی برخوردار است و غالباً در تکوین عرف بین‌المللی و تفسیر قواعد موجود نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

از منظر نظری، فلسفه وجودی دیوان را می‌توان در تمایل بشر به جایگزینی «قانون» به جای «زور» در روابط بین‌المللی جست‌وجو کرد. تجربه دو جنگ جهانی و پیامدهای ویرانگر آن، جامعه بین‌المللی را به این باور رساند که امنیت پایدار تنها در سایه استقرار نظم حقوقی بین‌المللی امکان‌پذیر است. دیوان بین‌المللی دادگستری تجلی این اندیشه است؛ نهادی که می‌کوشد از طریق ابزارهای قضایی، اختلافات میان کشورها را در چارچوب اصول حقوقی و به دور از خشونت حل و فصل کند.

با این حال، بررسی نقش واقعی دیوان در عمل نیازمند درک عمیق‌تری از ماهیت، ساختار، کارکرد و حدود اختیارات آن است. تجربه نشان می‌دهد که دیوان، هرچند از نظر حقوقی نهادی مستقل است، اما در بستر سیاسی و اجتماعی پیچیده‌ای فعالیت می‌کند که بر عملکرد آن تأثیر مستقیم دارد. دولت‌ها غالباً

با ملاحظات سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود به دیوان مراجعه می‌کنند یا از مراجعه به آن خودداری می‌ورزند. از همین رو، تحلیل جایگاه دیوان تنها با نگاه صرفاً حقوقی ممکن نیست، بلکه باید از منظر چندبعدی، شامل حقوق، سیاست، تاریخ و روابط بین‌الملل، مورد مطالعه قرار گیرد.

در طول دهه‌های گذشته، دیوان بین‌المللی دادگستری به رسیدگی به پرونده‌هایی پرداخته است که هریک به‌نحوی مسیر تحول حقوق بین‌الملل را دگرگون کرده‌اند. از دعاوی مربوط به نقض حاکمیت دولت‌ها و تعیین مرزهای سرزمینی گرفته تا اختلافات پیرامون استفاده از زور، نقض معاهدات و مسئولیت بین‌المللی، همگی نمونه‌هایی از گستره فعالیت‌های دیوان هستند. در بسیاری از این پرونده‌ها، دیوان با اتخاذ رویکردی نوآورانه توانسته است میان اصول حقوقی و واقعیت‌های سیاسی توازن برقرار کند. همین امر سبب شده تا آراء آن، علاوه بر حل اختلاف خاص میان طرفین، تأثیری فراتر از موضوع مورد اختلاف بر نظام حقوقی بین‌المللی داشته باشد.

یکی از ابعاد مهم کارکرد دیوان، ارائه نظرات مشورتی است. این نظرات، گرچه الزام‌آور نیستند، اما در عمل از چنان وزن حقوقی و اخلاقی برخوردارند که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ناگزیر از توجه به آن هستند. نظرات مشورتی دیوان در موضوعاتی همچون مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، تفسیر اصول حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، و وضعیت حقوقی سرزمین‌های اشغالی، تأثیری عمیق بر گفتمان حقوق بین‌الملل برجای گذاشته‌اند. این آراء نه تنها موجب شفاف‌سازی قواعد موجود شده‌اند، بلکه در برخی موارد خود منبعی برای پیدایش عرف بین‌المللی جدید محسوب می‌شوند.

با این وجود، نمی‌توان از چالش‌های ساختاری و اجرایی دیوان چشم پوشید. اجرای احکام دیوان در نظامی که فاقد قوه قهریه مرکزی است، همواره یکی از معضلات اساسی بوده است. در حالی که در نظام‌های داخلی، اجرای احکام قضایی تضمین شده است، در سطح بین‌المللی، اجرای آراء دیوان بستگی تام به اراده و همکاری دولت‌ها دارد. هرچند منشور ملل متحد پیش‌بینی کرده است که در صورت امتناع یک دولت از اجرای حکم دیوان، موضوع می‌تواند به شورای امنیت ارجاع شود، اما تجربه نشان داده که ملاحظات سیاسی اعضای دائم شورا اغلب مانع از اعمال چنین سازوکاری می‌شود.

به همین دلیل، اقتدار دیوان بیشتر مبتنی بر «اعتبار اخلاقی» و «اعتماد جامعه بین‌المللی» است تا بر ضمانت اجرای مادی. در واقع، دیوان از نوعی قدرت نرم برخوردار است که از مشروعیت حقوقی و انصاف قضایی آن سرچشمه می‌گیرد. هنگامی که یک دولت به دیوان مراجعه می‌کند، ضمن پذیرش قضاوت حقوقی آن، خود را در معرض ارزیابی وجدان عمومی جامعه جهانی نیز قرار می‌دهد. از این رو، پایبندی به احکام دیوان بیش از آنکه ناشی از ترس از مجازات باشد، نتیجه فشار افکار عمومی و تمایل دولت‌ها به حفظ اعتبار بین‌المللی خویش است.

نقش دیوان در تحکیم صلح جهانی نیز نباید نادیده گرفته شود. هرچند دیوان ابزار نظامی یا سیاسی برای جلوگیری از جنگ در اختیار ندارد، اما از طریق ترویج فرهنگ قانون‌گرایی و حل اختلافات از مسیر حقوقی، به کاهش تنش‌ها و پیشگیری از منازعات کمک می‌کند. در بسیاری از موارد، صرف پذیرش رسیدگی قضایی توسط دولت‌ها، نشانه‌ای از تمایل آنان به حل مسالمت‌آمیز اختلاف و نشانه‌ای از اعتماد به نظام حقوق بین‌الملل است.

در دنیای معاصر، با گسترش موضوعاتی چون تغییرات اقلیمی، جرایم فراملی، فناوری‌های نوین و فضای مجازی، نوع و ماهیت اختلافات بین‌المللی نیز تغییر یافته است. مسائل پیچیده‌ای مانند مسئولیت دولت‌ها

در قبال آلودگی زیست‌محیطی فرامرزی، استفاده از پهپادها در قلمرو دیگر کشورها، یا حملات سایبری، نیازمند تفسیرهای تازه‌ای از اصول سنتی حقوق بین‌الملل هستند. انتظار می‌رود دیوان بین‌المللی دادگستری در مواجهه با این چالش‌ها نقش فعال‌تری ایفا کند و با تطبیق مفاهیم موجود با واقعیت‌های نوین، به روزآمدسازی نظام حقوقی بین‌الملل یاری رساند.

از سوی دیگر، نقش دیوان در ترویج عدالت جهانی و تضمین برابری دولت‌ها در برابر قانون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، برابری حاکمیتی دولت‌هاست؛ بدین معنا که تمامی کشورها، صرف‌نظر از قدرت نظامی یا اقتصادی‌شان، از نظر حقوقی برابرند. دیوان بین‌المللی دادگستری با فراهم آوردن بستری برای اقامه دعوی حتی از سوی دولت‌های کوچک‌تر در برابر قدرت‌های بزرگ، به تحقق عملی این اصل کمک می‌کند. هرچند توازن واقعی قدرت در نظام بین‌الملل همچنان نابرابر است، اما وجود نهادی چون دیوان، حداقل از منظر حقوقی، امکان احقاق حق را برای همه دولت‌ها فراهم می‌آورد.

با مرور عملکرد چند دهه‌ای دیوان، می‌توان دریافت که این نهاد در مسیر تثبیت خود به عنوان محور عدالت بین‌المللی راهی طولانی پیموده است. از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۴۵ تاکنون، دیوان با رسیدگی به بیش از صدها پرونده، نه تنها اختلافات متعددی را حل کرده، بلکه در تدوین اصول اساسی چون منع توسل به زور، مسئولیت دولت‌ها، و احترام به حاکمیت سرزمینی نقش مؤثری داشته است. این دستاوردها نشان می‌دهد که دیوان، علی‌رغم محدودیت‌هایش، توانسته است نقشی حیاتی در نظام بین‌الملل ایفا کند.

کتاب حاضر در همین چارچوب، با هدف واکاوی عمیق نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها و بررسی کارکردهای آن در عرصه جهانی تألیف شده است. تلاش بر این بوده تا از منظری علمی و تحلیلی، ابعاد مختلف حقوقی، نهادی و عملکردی دیوان مورد مطالعه قرار گیرد و تصویری جامع از جایگاه آن در نظام حقوق بین‌الملل معاصر ارائه شود.

در این پژوهش، سعی شده ضمن تبیین مبانی نظری و حقوقی مربوط به دیوان، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی آن نیز به دقت مورد توجه قرار گیرد. این اثر حاصل باور به ضرورت حاکمیت قانون در روابط بین‌المللی است؛ باوری که ریشه در آرمان دیرینه انسان برای دستیابی به عدالت، امنیت و صلح پایدار دارد. در جهانی که هنوز از سایه جنگ‌ها و منازعات رهایی نیافته است، تقویت نهادهای حقوقی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری، گامی ضروری در جهت تحقق نظم مبتنی بر عقلانیت، انصاف و احترام متقابل میان ملت‌هاست.

در پایان، نگارنده بر این باور است که مطالعه دقیق نقش دیوان بین‌المللی دادگستری نه تنها از منظر حقوقی، بلکه از حیث سیاست جهانی و آینده نظم بین‌المللی نیز ضرورتی انکارناپذیر دارد. شناخت عملکرد این نهاد، به ما می‌آموزد که صلح و عدالت جهانی تنها زمانی پایدار خواهد بود که قدرت در خدمت قانون قرار گیرد، نه قانون در خدمت قدرت.



## فصل اول : کلیات و مبانی نظری دیوان بین‌المللی دادگستری

### مفهوم و ماهیت دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری عالی‌ترین نهاد قضایی سازمان ملل متحد است که با هدف حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات میان کشورها و ارائه نظرهای مشورتی در مسائل حقوقی بین‌المللی ایجاد شده است. این دیوان، رکن قضایی اصلی جامعه جهانی به شمار می‌آید و در کنار ارکان سیاسی و اجرایی سازمان ملل، وظیفه دارد که بر پایه حقوق بین‌الملل، عدالت را در روابط میان دولت‌ها برقرار سازد. صلاحیت دیوان محدود به اختلافات میان دولت‌ها است و اشخاص حقیقی یا حقوقی نمی‌توانند به‌طور مستقیم در آن اقامه دعوی کنند. اهمیت این دیوان در این است که به عنوان ابزار اصلی اجرای قواعد حقوق بین‌الملل، موجب ثبات، نظم و پیش‌بینی‌پذیری در روابط بین‌المللی می‌شود.

دیوان بین‌المللی دادگستری از لحاظ حقوقی و ساختاری بر اساس منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه خود فعالیت می‌کند. اساسنامه دیوان بخشی جدایی‌ناپذیر از منشور سازمان ملل است و تمامی اعضای سازمان به‌طور خودکار عضو آن محسوب می‌شوند. دیوان دارای ترکیبی از قضات است که از ملیت‌های مختلف انتخاب می‌شوند تا تنوع حقوقی و فرهنگی کشورها در ترکیب آن رعایت شود. این ترکیب چندملیتی، استقلال و بی‌طرفی دیوان را تضمین می‌کند. قضات باید از میان حقوقدانان برجسته‌ای انتخاب شوند که دارای صلاحیت عالی در زمینه حقوق بین‌الملل باشند و در عملکرد خود تنها بر اساس قانون و وجدان عمل کنند.

ماهیت دیوان بین‌المللی دادگستری نه‌تنها قضایی بلکه سیاسی نیز هست، زیرا تصمیمات آن در عرصه بین‌المللی تأثیرات گسترده‌ای بر روابط کشورها دارد. با این حال، دیوان باید همواره از ورود به مسائل صرفاً سیاسی پرهیز کند و تمرکز خود را بر تفسیر و اجرای حقوق بین‌الملل معطوف سازد. در بسیاری از موارد، احکام دیوان به حل اختلافات طولانی‌مدت میان دولت‌ها کمک کرده و از بروز درگیری‌های نظامی جلوگیری کرده است. این ویژگی نشان می‌دهد که دیوان علاوه بر جنبه حقوقی، دارای کارکرد صلح‌آفرین نیز می‌باشد.

کارکرد دیوان در عرصه بین‌المللی به دو صورت اصلی انجام می‌شود: نخست رسیدگی به دعاوی ترافیعی میان کشورها و دوم ارائه نظرهای مشورتی به ارکان یا سازمان‌های وابسته به سازمان ملل. در دعاوی ترافیعی، دیوان بر اساس رضایت طرفین صلاحیت پیدا می‌کند و حکم صادره برای آنان لازم‌الاجرا است. در نظرات مشورتی، دیوان پاسخ حقوقی به پرسش‌های ارجاعی ارائه می‌دهد که الزام‌آور نیست، اما از نظر سیاسی و اخلاقی تأثیر زیادی دارد. این دو نقش مکمل، سبب شده دیوان در مرکز نظام حقوق بین‌الملل قرار گیرد.

استقلال دیوان از دیگر ارکان سازمان ملل نکته‌ای اساسی در ماهیت آن به شمار می‌آید. قضات دیوان از ملاحظات سیاسی و منافع دولت‌ها مستقل‌اند و تنها بر مبنای حقوق بین‌الملل رأی می‌دهند. استقلال مالی، اداری و فکری دیوان تضمینی برای بی‌طرفی و اعتبار تصمیمات آن است. دیوان با استقرار در کاخ

صلح در شهر لاهه، نماد جهانی عدالت و قانون‌مداری شده و جایگاه ویژه‌ای در وجدان جمعی ملت‌ها دارد.

نقش دیوان در گسترش و توسعه حقوق بین‌الملل بسیار چشمگیر بوده است. با صدور احکام متعدد در زمینه‌های گوناگون چون مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مرزهای زمینی و دریایی، رفتار با اتباع بیگانه و تفسیر معاهدات، دیوان در تکوین اصول بنیادین حقوق بین‌الملل نقش آفرینی کرده است. این دیوان در حقیقت نه تنها مرجع حل اختلاف، بلکه نهاد تفسیر و توسعه‌دهنده حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که اندیشه حقوقی را در سطح جهانی تعالی بخشیده است.

### پیشینه تاریخی شکل‌گیری دیوان

ایده ایجاد یک دادگاه جهانی برای حل اختلافات میان کشورها از قرن نوزدهم میلادی آغاز شد، زمانی که اندیشمندان حقوق بین‌الملل و سیاستمداران به این باور رسیدند که روابط بین‌المللی باید از خشونت و جنگ به سمت قانون و داوری حرکت کند. نخستین تلاش جدی در این زمینه در کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ میلادی صورت گرفت که به تشکیل دیوان دائمی داوری انجامید. هرچند این نهاد نقش مهمی در حل برخی اختلافات ایفا کرد، اما به دلیل محدودیت صلاحیت و اختیاری بودن پذیرش داوری، نتوانست به نهادی جامع برای عدالت بین‌المللی تبدیل شود.

پس از پایان جنگ جهانی اول و تأسیس جامعه ملل، نیاز به مرجع قضایی دائمی و رسمی بیش از پیش احساس شد. به همین دلیل، در چارچوب جامعه ملل، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی ایجاد گردید که نخستین نهاد قضایی جهانی با ساختار منظم و صلاحیت گسترده بود. این دیوان در بسیاری از پرونده‌ها به بررسی اختلافات بین‌المللی پرداخت و با صدور آرای مستدل، نقش برجسته‌ای در توسعه حقوق بین‌الملل ایفا کرد. اما فروپاشی جامعه ملل و وقوع جنگ جهانی دوم، فعالیت آن را متوقف ساخت.

پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد، جامعه بین‌المللی تصمیم گرفت تا تجربه ارزشمند دیوان دائمی را حفظ کرده و نهادی جدید با صلاحیت و اقتدار بیشتر ایجاد کند. بدین ترتیب، در سال ۱۹۴۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به تصویب رسید و به عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل آغاز به کار کرد. بسیاری از مقررات و رویه‌های دیوان جدید از دیوان پیشین اقتباس شد، اما ساختار آن اصلاح و تقویت گردید تا پاسخگوی نیازهای نظام بین‌المللی نوین باشد.

تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری گامی بزرگ در نهادینه‌سازی اصل حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان کشورها بود. با گنجاندن این دیوان در منشور سازمان ملل، جامعه جهانی تعهدی حقوقی و اخلاقی نسبت به حل اختلافات بر اساس قانون پذیرفت. از همان آغاز، دیوان به‌عنوان نماد حاکمیت قانون در روابط بین‌الملل شناخته شد و اعتبار آن موجب شد که دولت‌ها در موارد متعددی اختلافات خود را به آن ارجاع دهند.

در دهه‌های بعد، دیوان درگیر پرونده‌های مهمی شد که جنبه‌های گوناگون حقوق بین‌الملل را روشن کرد، از جمله مسائل مربوط به مرزها، حاکمیت سرزمینی، استفاده از زور، منابع طبیعی و مسئولیت

بین‌المللی دولت‌ها. این رویه قضایی غنی، به تدریج موجب شد دیوان به مرجعی اساسی برای شکل‌دهی به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل تبدیل شود.

امروزه تاریخچه شکل‌گیری دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد که این نهاد حاصل روندی تدریجی در رشد آگاهی بشریت نسبت به ضرورت حاکمیت قانون در روابط بین‌الملل است. از داورهای محدود قرن نوزدهم تا دادگاه جهانی قرن بیست‌ویکم، مسیر تکاملی طولانی طی شده تا جامعه جهانی به این باور برسد که عدالت بین‌المللی شرط اصلی صلح پایدار است.

### جایگاه دیوان در نظام حقوق بین‌الملل

دیوان بین‌المللی دادگستری جایگاهی محوری در نظام حقوق بین‌الملل دارد، زیرا به عنوان بالاترین مرجع قضایی جهانی، مرز میان حقوق و سیاست را در عرصه بین‌المللی مشخص می‌سازد. این دیوان با تفسیر و اجرای قواعد حقوقی، معیارهای رفتاری کشورهای را تعیین و تثبیت می‌کند. از طریق احکام و نظرات خود، دیوان نه تنها اختلافات خاص را حل می‌کند بلکه اصول عام حقوق بین‌الملل را توسعه می‌دهد. این جایگاه سبب شده دیوان به ستون اصلی نظم حقوقی جهانی تبدیل شود.

در نظام سازمان ملل متحد، دیوان به عنوان رکن قضایی اصلی در کنار ارکان سیاسی مانند شورای امنیت و مجمع عمومی فعالیت می‌کند. هرچند تصمیمات آن الزام‌آور فقط برای طرفین دعوی است، اما اثرات غیرمستقیم و هنجاری گسترده‌ای بر رفتار دیگر دولت‌ها دارد. دیوان با تصمیمات خود نوعی نظام قضایی بین‌المللی ایجاد کرده که مکمل سازوکارهای سیاسی سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

احکام دیوان در بسیاری از موارد مبنای اقدامات شورای امنیت یا ارجاعات مجمع عمومی بوده‌اند. در برخی موارد، دولت‌ها برای اجتناب از تشدید اختلافات، داوطلبانه اجرای احکام دیوان را پذیرفته‌اند که نشان‌دهنده اعتبار و نفوذ معنوی این نهاد است. به این ترتیب، دیوان نقشی فراتر از یک دادگاه دارد و به یکی از ابزارهای اصلی تحقق اهداف سازمان ملل تبدیل شده است.

نقش دیوان در تفسیر و تبیین قواعد حقوق بین‌الملل نیز بسیار بنیادین است. احکام صادره از دیوان اغلب توسط دادگاه‌ها و داورهای منطقه‌ای و ملی مورد استناد قرار می‌گیرند. در نتیجه، دیوان به گونه‌ای غیررسمی در روند قانون‌سازی بین‌المللی مشارکت دارد. این کارکرد سبب شده که دیوان نه تنها حافظ حقوق موجود بلکه خالق قواعد جدید حقوق بین‌الملل نیز باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری نقشی اساسی در ترویج عدالت جهانی دارد. با فراهم کردن بستری برای حل اختلافات از طریق قانون، به جای زور، این نهاد به تقویت اعتماد میان دولت‌ها و جلوگیری از درگیری‌های بین‌المللی کمک می‌کند. بسیاری از کشورها، حتی بدون اجبار، آرای دیوان را اجرا کرده‌اند زیرا آن را بیانگر مشروعیت حقوقی و اخلاقی جامعه بین‌المللی می‌دانند. این امر بیانگر جایگاه والا و نفوذ نرم دیوان در نظام جهانی است.